

حجاب بی مصونیت

گفت و گو با یک دانشجوی ترکیه‌ای دانشگاه هنر تهران درباره وضعیت زندگی و تحصیل دختران محجبه در ترکیه

یعنی تا سال دوم دبیرستان از حجاب شما ایراد نمی‌گرفتند؟

من مدرسه راهنمایی می‌رفتم که محجبه شدم. تقریباً از ۱۲-۱۱ سالگی. بعد تا دوم دبیرستان یعنی پنج شش سال بعد از آن با حجاب درس می‌خواندم و هیچ مشکلی نداشتم. از سال ۹۷ دوباره این ممنوعیت شروع شد. اما تا سال ۲۰۰۲ این ممنوعیت در دبیرستان ما و شهرستان اجرا نشد. چون دولت نمی‌خواست با مخالفت همگانی مردم روبه‌رو بشود ممنوعیت حجاب را تدریجاً در همه کشور اجرا کرد. اگر می‌خواست یکباره اجرا کند مقاومت مردمی خیلی قوی‌تر می‌شد. به این ترتیب اجرای ممنوعیت حجاب از سال ۱۹۹۷ و از یکی دو دانشگاه در استانبول و آنکارا شروع شد. بعد کم‌کم گسترش پیدا کرد. سال ۲۰۰۲ در مدرسه ما هم شروع شد.

بعد به چند گروه تقسیم شدیم و هر گروه رفت به یک شهر. من همراه ۱۴ نفر دیگر رفتیم تراپزون که شهری در شمال شرق ترکیه است. گروه‌های دیگر رفتند استانبول، زونگولاک، ساکارا و شهرهای دیگر. آن موقع در این شهرها هنوز ممنوعیت حجاب در دبیرستان‌ها اجرا نمی‌شد. شهر ما چون چندان

خانم آکسوی، چطور شد که از مدرسه اخراج شدید؟

سال دوم دبیرستان بودم. آن سال چندین بار به من تذکر دادند و من را جریمه کردند، اما با وجود جریمه‌ها تقریباً تا یک ماه مانده به آخر سال با حجاب رفتم سر کلاس. در ترکیه باید بین هر تذکر یا تنبیه دو هفته فاصله باشد و من و بقیه دوستانم از همین فاصله‌ها استفاده می‌کردیم. اول تذکر می‌دادند، بعد هشدار می‌دادند و بعد شرایط را سخت‌تر می‌کردند؛ مثلاً از اخراج یک روزه شروع می‌شد تا اخراج کامل. اما همان‌طور که گفتم چون باید از هر تنبیه حداقل دو هفته تا تنبیه بعدی می‌گذشت، ما زمان به دست می‌آوردیم تا با حجاب درس بخوانیم. ولی بالاخره یک ماه مانده به تمام شدن سال دوم دبیرستان فرجه من هم تمام شد و اخراج شدم. دبیرستان ما حدوداً ۳۰۰ نفر دانش‌آموز دختر و پسر داشت که از جمع دخترها حدوداً ۶۰ نفر باحجاب بودند. ما ۶۰ نفر را باهم اخراج کردند. ما تصمیم گرفته بودیم مقاومت کنیم و برای همین همه باهم اخراج شدیم. البته یکی دو نفری بودند که در طول این مدت روسریشان را برداشتند، ولی اکثریت که همین ۶۰ نفر بودند مقاومت کردند.

بتول فیضا آکسوی، سال ۱۹۸۴ در شهر ماردین

که یکی از شهرهای شرق ترکیه است و تقریباً یک شهر کردنشین محسوب می‌شود به دنیا آمد. پدرش معلم بود و در واقع به این شهر منتقل شده بود. ولی خیلی آنجا نماند و دو سال بعد به شهر خودشان بارتین برگشت. او بچه دوم خانواده است. خواهر بزرگش یک سال از او بزرگ‌تر است و در طول تحصیل و بعدش همیشه با هم بوده‌اند. او بعد از ممنوعیت حجاب، برای ادامه تحصیل اصرار نکرد و ازدواج کرد. خواهر کوچکش که ۱۲ سال دارد و به مدرسه راهنمایی می‌رود؛ هنوز روسری سرش نمی‌کند و به خاطر درسش مجبور است بی‌حجاب به مدرسه برود. ممنوعیت حجاب در سیستم آموزشی ترکیه هر ساله تعداد زیادی از دختران ترک را خانه‌نشین می‌کند. از بین این دختران آنهایی که امکان تحصیل در خارج ترکیه را دارند ناچار به مهاجرت می‌شوند. ایران، به عنوان یک کشور اسلامی که اشتراکات فرهنگی زیادی با ترکیه دارد یکی از کشورهای مقصد آنهاست. بتول فیضا آکسوی یکی از دانشجویهای دختر ترکیه‌ای است که به دلیل ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌های ترکیه، به ایران آمده و در حال حاضر دانشجوی سال دوم رشته سینماست.

مهدی خامه‌یار



مذهبی نیست کمی زودتر از جاهای دیگر شروع کرده بود. آنجا در ترازون ۱۵ نفری باهم خانهای گرفتیم و در مدرسه امام خطیب آنجا یک ماهی را که از سال دوم مانده بود تمام کردیم و دوباره به شهرمان برگشتیم. تابستان که گذشت برای سال سوم به استانبول رفتیم. در آنجا یک ترم بیشتر نخوانده بودم که ممنوعیت حجاب در استانبول دوباره برگشتیم ترازون و ترم دوم را آنجا خواندیم. این طوری دبیرستان را تمام کردیم.

تابستان آن سال را توی خانه بودیم و از همان موقع دوره خانه‌نشینی چهارساله ما شروع شد. به خاطر ممنوعیت نمی‌توانستیم در کنکور ترکیه شرکت کنیم. برای همین هم بود که خانه‌نشین بودم. البته سال اول چهارماه رفتیم استانبول تا در یک مرکز مذهبی دروس قرآن، تفسیر و حدیث بخوانیم. اما بعد از چهار ماه دوباره به خانه برگشتیم. آن سال را در خانه بودم و بعد در کلاس خیاطی ثبت‌نام کردم و چهار ماه هم کلاس خیاطی رفتیم. در این مدت همراه خواهرم تظاهرات می‌رفتیم و منتظر بودیم حزب اسلام‌گرایی که روی کار آمده شرایط را تغییر بدهد. یعنی فکر می‌کردیم که این طوری می‌شود که نشد.

چطور بین کشورهای مختلف ایران را برای ادامه تحصیل انتخاب کردید؟

بعد از اینکه از تغییر شرایط ناامید شدم، به این فکر افتادم که برای ادامه تحصیل به یک کشور دیگر بروم، چون دوست‌های دیگرم این کار را کرده بودند و به اتریش، مالزی و آلمان رفته بودند. اما مشکل دیگر این بود که بیشتر کشورها برای پذیرش، نمره خوبی از کنکور ترکیه می‌خواستند. برای کنکور ترکیه هم که می‌بایست روسری سرت نباشد. فقط ایران و مالزی نمره کنکور ترکیه را نمی‌خواستند. مالزی هم خیلی دور بود و هم هزینه رفت‌وآمدش خیلی زیاد می‌شد. از طرف دیگر فرهنگشان هم با ما خیلی متفاوت بود. دوستانم که به مالزی، رفته بودند خیلی مشکل داشتند و مدرکش هم چندان معتبر نبود. ولی ایران شرایطش خیلی بهتر از مالزی بود. ایران معدل بالای دبیرستان می‌خواست. دلیل دیگر هم برای انتخاب ایران علاقه شدید من به دکتر شریعتی بود. چون در ترکیه خیلی از شریعتی‌کتاب خوانده بودم و به شریعتی علاقه زیادی داشتم. این هم در انتخاب ایران تاثیر داشت. با یکی از دوستانم رفتیم سفارت ایران در آنکارا و با مستشار فرهنگی صحبت کردیم. آنجا به ما

به نظر خودت آمدنت به ایران هجرت محسوب می‌شود؟

بله. چون پیامبر در حدیثی می‌گوید هرکس به خاطر خدا از جایی به جای دیگری برود هجرت کرده. به همین دلیل من هم فکر می‌کنم سفرم به ایران یک هجرت است.

فکر می‌کنی مشکل حجاب در ترکیه چه طور و کی حل می‌شود؟

زمانش را نمی‌توانم حدس بزنم و فکر هم نمی‌کنم در آینده نزدیک این اتفاق بیفتد. اما این ممنوعیت وقتی برداشته می‌شود که همه مردم آن را بخواهند. وقتی همه مردم دنبال حق خودشان باشند و برایش تلاش کنند این ممنوعیت هم برداشته می‌شود.

دخترهای دیگر چه کار کردند؟ منظورتم آنهايي است که برای تحصیل به خارج از ترکیه نرفتند.

خیلی‌ها ترک تحصیل کردند؛ توی خانه ماندند و ازدواج کردند و نتوانستند به تحصیلشان ادامه بدهند. بعضی‌ها دنبال پول جمع کردند که بتوانند به یک کشور دیگر بروند، یا دارند تلاش می‌کنند خانواده‌شان را راضی کنند که بهشان اجازه بدهند

ما تصمیم گرفته بودیم مقاومت کنیم و برای همین همه باهم آخراج شدیم. البته یکی دو نفری بودند که در طول این مدت روسریشان را برداشتند، ولی اکثریت که همین ۶۰ نفر بودند مقاومت کردند



دختران محجبه ترکیه برای تحصیل موانع متعددی پیش رو دارند ۶۶

این مشکل که هزارها دختر در ترکیه با آن دست به گریبان بودند صحبت نکرد اعتراض کنیم. شعارهایی در کاغذ نوشتیم و با خودمان بردیم. مراسم شروع شد. چند زن آمدند حرف زدند. بعد امینه اردوغان آمد و حرف زد. ولی همه طوری حرف می‌زدند که انگار نه انگار زن‌های ترکیه چنین مشکلی دارند. اصلاً انگار ما وجود نداریم. ما هم از جامان بلند شدیم و کاغذهایمان را بالا بردیم که یک‌دفعه خبرنگارها متوجه ما شدند و همه دوربین‌ها به سمت ما برگشت و جو جلسه کلاً به هم ریخت. این اتفاق در رسانه‌های ترکیه خیلی سروصدا کرد و همه گفتند مردم هم انتظار داشته‌اند درباره این مسأله صحبت بشود که نشده. رجب طیب اردوغان هم گفت که مسلمان‌ها نباید احساساتی رفتار کنند، در صورتی که ما برای این کارمان خیلی فکر کرده بودیم. (می‌خندد)

بعد از این اتفاق باز به فکر روش‌های جدیدی برای اعتراض بودیم که به فکرمان رسید در این‌باره یک مستند بسازیم، چون دیدیم با اینکه ده سال از این اتفاق می‌گذرد، هیچ مستند یا فیلم خوبی درباره این موضوع ساخته نشده. اما چیزی از سینما و مستندسازی نمی‌دانستیم. این اولین جرقه‌هایی بود که باعث شد به سینما فکر کنم. یعنی آمدنم به سینما بیش‌تر ایدئولوژیک بود تا هنری. (می‌خندد)

در ایران که دیگر مشکلی برای حجاب‌داشتن ندارید؟

چرا. در دانشگاه مشکل داریم! نگاهی‌هایی که تازه می‌آیند نمی‌دانند که ما مجازیم با روسری بیاییم. دائم ایراد می‌گیرند که چرا با روسری آمده‌اید، نباید با روسری بیایید، نباید روسری رنگی بپوشید، باید مقنعه بپوشید... ولی کم‌کم متوجه شدیم اینها از قوانین بی‌اطلاعند. برای همین در جوابشان اولیسن چیزی که می‌گوییم این است که «شما تازه آمده‌اید اینجا!» (می‌خندد) چون نمی‌دانید ما خارجی‌ها می‌توانیم با روسری بیاییم. به جز این نه، مشکلی نداریم.

نظراتان درباره حجاب در ایران چیست؟

من با سیاه بودن پوشش زن‌ها در ایران خیلی موافق نیستم. کاش یک رنگی تر می‌پوشیدند. اینجا وقتی رنگی می‌پوشی همه طوری نگاهت می‌کنند که انگار می‌خواهی جلب توجه کنی. به نظرم این نگاه به پوشش زن‌ها در ایران باید عوض بشود. اگر همه رنگی بپوشند این عادی می‌شود و خودبه‌خود حل می‌شود.



برای تحصیل به خارج از کشور بروند. بعضی هم منتظرند این ممنوعیت برداشته بشود و دوباره شروع کنند به درس خواندن.

چرا از بین رشته‌های مختلف، سینما را انتخاب کردید؟

در مدتی که ممنوعیت حجاب پیش آمده بود، ما خیلی اعتراض می‌کردیم. مدام راهپیمایی می‌کردیم، چه در دبیرستان و چه در شهر. جمع می‌شدیم، چند ساعتی در خیابان‌ها بودیم و بعد اعلامیه‌ای می‌خواندیم و برمی‌گشتیم. حتی وقتی دولت اردوغان روی کار آمد باز همین کار را ادامه می‌دادیم تا دولت بهانه لازم برای طرح دوباره مسأله و حل این مشکل را داشته باشد.

اوایل به خیابان می‌رفتیم و تظاهرات می‌کردیم، اما بعد روش‌های متفاوتی برای اعتراض کردن پیدا کردیم؛ مثلاً یک بار به مناسبت روز زنان برنامه‌ای بود که زن نخست‌وزیر، امینه اردوغان، آنجا سخنرانی داشت. ما این خبر را در بیل‌بردهای تبلیغاتی مراسم دیدیم و تصمیم گرفتیم در آن شرکت کنیم. برنامه‌مان این بود که اگر امینه اردوغان در مورد

با چشمان باز

کشف حجاب در ترکیه

بعد از اینکه آتاترک در سال ۱۹۲۳ در ترکیه اعلام جمهوریت کرد تغییراتی در جامعه ترکیه مطرح شد که یکی از این تغییرات نوع لباس مردم بود؛ چه زن‌ها و چه مردها؛ مثلاً مردها مجبور بودند کلاه سرشان بگذارند و حتی تعدادی از مردها به خاطر کلاه نگذاشتن اعدام شدند. زن‌هایی هم که می‌خواستند در جاهای رسمی باشند باید حجابشان را برمی‌داشتند. دولت برای تشویق زن‌ها جشن‌های کشف حجاب برگزار می‌کرد و در این جشن‌ها به زن‌هایی که حجابشان را برمی‌داشتند هدیه می‌دادند.

با این روش‌ها زن‌ها را تشویق می‌کردند به برداشتن حجاب. الگوهایی که در مدارس تدریس می‌شد و در جامعه رواج داشت باعث شد که غربی شدن و غربی پوشیدن یک ارزش باشد و در نهایت تعداد محجبه‌ها خیلی کم شد و آنگاه هم که بودند، نمی‌توانستند به مدرسه یا دانشگاه بروند. البته جدای از مسأله حجاب در آن زمان، مسأله دیگر خانواده‌های مذهبی مختلط بودن محیط‌های آموزشی بود. برای همین خیلی از خانواده‌های مذهبی دخترهاشان را به دبیرستان و دانشگاه نمی‌فرستادند.

اما در طول ۵۰ سال کم‌کم تعداد محجبه‌ها بیش‌تر شدند. این بود تا سال ۱۹۸۰ که تن‌ها بین حزب چپ و راست ترکیه زیاد شد و بالاخره کودتای ۱۹۸۰ اتفاق افتاد. بعد از کودتای ۱۹۸۰ شرایط برای مسلمان‌ها سخت شد. تا قبل از کودتا شرایط طوری بود که مثلاً در هر دانشگاهی ممکن بود دو یا سه نفر محجبه باشند که آنها هم بیشتر دخترهایی بودند که بعد از ورود به دانشگاه محجبه شده بودند، اما بعد از کودتا برای فشار آوردن بر مسلمان‌ها بحث ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌ها و مدارس دولتی مطرح شد. با این‌همه این دستورات عمل به طور کامل در همه جا اجرا نشد و کار به جایی رسید که در دوره ریاست‌جمهوری تورگوت اوزال این ماجرا به طور کامل فراموش شد. تا اینکه سال ۱۹۹۷ و در دوره نخست‌وزیری بولنت اجویت دوباره ممنوعیت حجاب شروع شد.

به این صورت که یک بخشنامه از بوک (سازمان تحصیلات تکمیلی) و وزارت علوم به مدارس و دانشگاه‌ها دادند که مضمونش این بود: مقررات ممنوعیت حجاب باید اجرا شود. اما دولت برای اینکه با مخالفت همگانی مردم روبه‌رو نشود این بخشنامه را هم‌زمان و به صورت گسترده اجرا نکرد و فقط در بعضی مدارس اجرا شد.